

۱۳/۱۲/۵۷

لاطف حضرت
بزرگوار است
در محراب

چگونه ساز جمعه صلاح بیرونید اسلام بکار گیریم

شرهای جامد و تحول نیافته اولیه قادر به درک واقعیت و محتوای زندگی بودند انگیزه تلاش در عمرشان نفس پرستی و به نفع آنها زندگی در این زمحل خلاصه میشد: همه چیز برای من.

یا پیشرفت ابزار تولید و تکلیف تر توانست با احتیاج و وسعیت امکانات مادی و روان و اشکال و احتیاج زندگی دست یابد.

با فقدان هدفهای عالی انسانی در هر عصر و در هر زندگی محصورش

بی محتوا بوده و میتوانست سعادت آنرا باشتد همچنانکه نظامهای ناشی

دارای صنعت پیشرفته و اما محصورش تا افرادی و خصیت اند.

مسئله اساسی تررهای از قید بیماریهای نفس پرستی است

و کوشش در مبارزه با آنرا که پرستی از حق نسبت به انسان است میباشد.

با اعتقاد باینکه ابزار تولید پیشرفته و در حال پیشرفت هم باید در

خدمت هدفهای عالی انسانی قرار گیرد.

بیماری که در جامعه بشری نسل به نسل به ارث رسیده و ادامه یافته

(لَبُدِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرُوا أُولَئِكَ فَهُمْ قَوْمٌ لَّا يَتَذَكَّرُونَ - یسن ۵) تا بیم

دهی و برخورداری طایفه ای را که بدانشان برخورد داشته شدند پس

به این روال اولادانشان نا آگاه و در نیامند.

ظهور اسلام راه گسستن زنجیرها و رهایی تر از این جور در

شان داد و ایدولوژی زندگی ساز و حیاتی بخش را ارائه نمود تا به

جمع پرستی و وحدت انسانی دست یافته و از نفس پرستی (نفس اماره)

رفته و در طریق نجات راه یابیم پس از صعود از مراتب لوازم و

طبیعه و راضیه بر معرفت نفس مرصیه اربع پرواز انسانی تفکر و حرکت آگاهانه نمایم.

اسلام همانگونه که نفس اماره را در انسانها میکوبد نظامهای

جامعه را که به روال نفس اماره باشد از هم میپاشد همچون که رسول خدا

نظام بردگی را وارثگون ساخت.

نبا به اقتضای زمان رسالتی که محمد (ص) برای جامعه گذاشت پس از آنکه امر مکتوم ماند و انجام شد و در نتیجه نظامهای ظالمی تا امروز پدیدت ما سنگینی نمود.

حال که توجه شد موج آسمانی ایسان نفسی امام که رژیم را برزاند و فرود کوبد اعمال عبادی ابزار و وسایلی هستند که با بکار گرفتن آنها تحقق و وصول بحق امکان پذیر میگردد زیرا هیئات گوناگونی آسمانی است که خیر و رحمت میآورند از جمله نماز جمعه و اشغال عملی آن.

تطبیق کسب و کار و خداشناسی از خانواده یعنی انضال از کورانان و روال عادی و حرکت بوی حق و جمع نمازگزاران (یا ایها الذین امنوا اذ انمودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا فی ذکر الله و درو البیع ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) جمعه ۹ ای کسانیکه ایسان آوردین چون اذان داده شوی در روز جمعه از برای نماز جمعه پس بتابید سوی یاد کردن خدا و واگذارید خرید و فروش را این برای شما بهتر است اگر چنانچه چیزی بدانید.

هفته ای یکبار بطور دائم اجتماع و نمازین عظیم و هیئاتی روندگان راه خدا در کلیه شهرها و روستاها.

حال این امر با توجه به کثرت جمعیت و تمرکز در شهرها چگونه انجام پذیرد تا هدف رسالت نماز جمعه به حد کمال تحقق یافته و منتجی گردد تا مومن خدا حالت حضور قلب و توجه و خلوص بحق یابد که مستلزم محیط آرام و کنترل شده و خالی از تلاطم است ایجان شود و در عین حال بتواند در سطح وسیع مملکت تمام قشرهای جامعه را دربرگیرد و همبستگی دهد نه آنکه حکم الهی با اشغال و عبادات جاهد کم اثر و محدود تغزل نماید. رمز مسئله همانگونه که شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه

تذکره داده و با دلایلی که دارد فرموده امام صادق (ع) بعد یک فرسخ در فاصله
نمازهای جمعه نبوده و نیست و نمیتوان در تمام مساجد بخارخانه ها و مزارع
و مدارس و دانشگاهها و سایر بناها وارد و نگاههای مجاهدین و هواکزیان
و ادارات دولتی و ملی فریضه بیارستانها و سایر مراکز اجتماعی انجام پذیرد
هرجا که از بیخ فریضه بیشتر آمدن و اعلام آمادگی نمایند آغاز گردد.

نماز جمعه که وسیله همبستگی و اتحاد و خلوص روند سخنان را که خدا است
موقعیکه نماز جمعه در مساجد و مکانهای اجتماعی منعقد است مخاطب
موظف است ضمن خطبه های نماز که حمد خداوند و تحسین ایدولوژی اسلامی
از موضوع خدائی سیاست کلی را مورد بحث و بررسی قرار دهد و این بررسی از
سطح کشور اسلامی گرفته تا محدود در حوزه ای که نماز جمعه اقامه است شامل
میشود البته با توجه به وقت نماز گزاران و مسائلی که امری است و پس از
نتیجه گیری و ارائه عملی راهها و اینکه چگونه قضایا را میتوان بحکم حق فیصله داد
و پس ندایای تاریک و باطل را مشخص نمود و اقداماتی که برای رفع آن
لازم است تذکره میدهد.

شاید توست چون زمان صدر اسلام با حقوقترین نماز گزاران
پیشتر باشد. در سر بار خدایه «طالقانی و زمانه ما» چه درجه دار و چه
افسر و در کارخانه چه کارگر باشد یا کارمند و همچنین در سایر مکانهای
اجتماعی در هر مقامی که باشد بر هیئت کارترین آنها که عاقلند مقدم ترند.

سرور و درگرم
شرفی که از اقوام می باشد، درباره ضرورت آن است
طریق آن در این مقام! به طبع اینک من قریب بحال پس از طلاق
طریق نبون امام بران، بنده تسلیم کرده، حال چه بگویند بکنند یا نه
میدانم. همه در میدان که اگر دنیا فرمای ما و دین فرمای ما در روز قیامت
فرقی نداشته باشد زیرا که در حقیقت جمیع بندگان سرانگشته و متصل فرمودند
بعضی از بندگان
ادب
۵۷/۱۲/۸